

## مکتب سفید

### نگاهی گذرا به جنبش سور نالیسم و چپستی‌های آن

### انقلاب‌های نابهنگام

■ بی‌شک نهضت ادبی - هنری سورنالیسم از جمله مهم‌ترین جنبش‌های فکری قرن بیستم بوده است که با تأثیرپذیری از مکتب روانکاوی اندیشمند برجسته اتریشی زیگموند فروید، به بازنمایی آنچه در اعماق ناخودآگاه انسان می‌گذرد، پرداخت و ذهن جست‌وجوگر انسان معاصر را به سمت خود معطوف کرد. ناگفته نماند که فروید به بازنمایی آنچه در اعماق ناخودآگاه انسان می‌گذرد پرداخت و ذهن جست‌وجوگر انسان معاصر را به سمت خود معطوف کرد. ناگفته نماند که فروید همواره فاصله بین آرا و اندیشه‌های خود را با سورنالیسم حفظ کرد و آنچنان که سورنالیست‌ها انتظار داشتند از آنان استقبال نکرد.

فروید تفسیرهای دیگران را از مقوله روانکاوی

زیاد جدی نمی‌گرفت و سورنالیست‌های جوان نیز از این قاعده مستثنا نبودند.

در واقع وی هیچ‌گاه تمایل بدان نیافت که روانکاوی سوزه یا موضوع تفسیر و الهام دیگران قرار گیرد. اما روند تحولات فرهنگی هنر اروپا در بین دو جنگ جهانی شدت و سرعت زیادی داشت و نظام تفسیر و خلاقیت هنری از کسی اجازه نمی‌گرفت. سورنالیسم در چنین فضایی پا به عرصه گذاشت. در ۱۹۲۴ آندره برتون، شاعر جوان فرانسوی پس از چند سال که با هنرمندان و شاعران دادانیست معاشرت کرد از این گروه آناشییست جدا و با هنرمندان و نویسندگانی چون لویی آراگون، ماکسا ارنست (Érnst)، آنتونین آرتو، ایوانتگی، من‌ری و از همه مهم‌تر پل الوار اولین بنیانیه سورنالیسم را منتشر و به طور رسمی فعالیت‌های خود را آغاز کرد. در این بین وجود یک ادیب و هنرشناسن برای گروه بسیار کارساز و مفید بود؛«گیوم آویلینو» که بسیاری از هنرمندان بزرگ آن زمان را زیر بال و پر خود گرفته بود. از جمله آتری روسو و جورجیو دکریونقناش سورنالیسم.

بنیان‌های سورنالیسم به قول خودشان برگرفته از رویا، تش و تشنج اوتوماسیون یا خلق خود به خودی بود. دستمایه‌هایی که در وجه بیرونی و اولیه در اختیار هنر انسانی قرار دارد. همگان رویا می‌بینند و حتی می‌توانند آن را با جزئیات برای دیگران تعریف کنند اما این مواد اولیه برای ساخت، پرداخت و

ارایه یک اثر سورنالیستی کافی است؟

مسلمانا چنین این جایش در نقاشی سورنالیستی خود را به وضوح نمایان می‌کند.منطق هنر سورنالیسم براساس قرار گرفتن یا قرار دادن مجموعه چیزهایی در یک کادر است.

(objects) مانوس، طبیعی و واقعی در فضایی نامانوس و غیرطبیعی است. نمادها، سمبل‌های دست‌ساخته بشر در نقاشی بزرگان سورنالیست جلوه و جایگاه خاصی داد تا بر رازآلود بودن و رازآلود کردن اثرشان بیفزاید. منطق سورنالیسم فرار و عبور از منطق است. اما آنان هیچ‌کند نتوانستند به این

مهم دست یابند. پس از پایان جنگ جهانی دوم و به میان آمدن سبک‌های ریز و درشت هنری و نیز عملکرد تفسیرها و گرایشات برخی از اعضای نهضت سورنال به کمونیسم به مثابه بزرگ‌ترین نماد انقلاب و تحول خواهی رفته‌رفته چراغ پر نور سورنالیسم به عنوان یک جنبش ماندگار در عرصه فرهنگ و هنر اروپا رو به خاموشی گرایید و آینده، تمایلات و نظریات ریاضیاتی آنان مانند تکه‌هایی از جواهر به پیکر سایر جنبش‌های متاخر قرن بیستم وصل شد. به همان گونه که روانکاوی فرویدی به تدریج اصالت خود را در اواخر دهه ۷۰ میلادی به کلی از دست داد و سعی و تلاش بزرگانی چون ژاک لکان نیز نتوانست شکوه کلام و تفسیر عمیق فروید از وضعیت بشری را در دوره به عرصه بیاورد.

شخصیت‌هایی چون رنه مگریت، سالوادور دالی و ماکس ارنست بیرقیب و تک‌ستاره‌های آسمان سورنالیسم متقدم باقی ماندند. انسان قرن بیستم و بیست‌ویکم چشم روی ندیای رویا، کابوس و خلاقیت‌هایی که وابسته به رویا هستند بست شاید این چشم بستن بهنگام و صحیح باشد. شاید نیاز انسان امروزی چیز دیگری است که او را از آرمان شهر گرای و توهمات انقلابی دور سازد. زیبایی هنر و ادبیات سورنالیسم نیاز به زمان و ترجمه دارد. امروز زبان و زمان رفا نرسیده است. شاید وقتی دیگر.

### توضیح

■ در بخش پایانی مصاحبه استادغلامحسین‌نامی که در تاریخ شنبه ۲۸ خردادماه در روزنامه شرق منتشر شد، مطلبی به نقل قول از ایشان گفته شده بود که کلاس‌های ایشان در غیاب‌شان توسط گذرگان‌شان اداره می‌شد که استاد نامی در تماس با ششروق این مطلب را تذکر دادند که کلاس‌های من در ایران را خانم سودابه میرفصیح که خود از هنرمندان خیلی خوب و با ارزش هستند و دارای سوابق متعدد آموزش هنر به عنوان دستیارم اداره می‌کنند

■ هنرمندان زیادی کار لیتوگرافی کرده‌اند، مثل خوان میرو، شاگال یا پیکاسو. چرا شما به کارهای لیتوگرافی سالوادور دالی پرداخته‌اید. آیا شرایط این‌گونه ایجاب می‌کرد یا سالوادور دالی انتخاب شخصی شما بود؟

آری اقبال: اتفاقاً دیروز یک نفر از من پرسید چرا دالی را انتخاب کرده‌اید من گفتم ما دالی را انتخاب نکردیم، دالی ما را انتخاب کرد! (خنده) موضوع چاپ همیشه برای ما جدی بوده و ما نمایشگاه‌های زیادی در زمینه چاپ هم در گالری آریسا و هم در گالری الهه داشتیم و خودم نیز به شخصه کار توگرافی و چاپ خوب کرده‌ام، چاپ همیشه برای من یک مقوله جذاب بوده است. اما این نمایشگاه برای ما یک افتخاق بود چون یک مجموعه‌دار ایرانی در آمریکا مایل بود که مجموعه‌اش را بفروشد و مجموعه‌اش فقط شامل کارهای دالی نبود و تعداد زیادی کار داشت و به ما پیشنهاد کرد که کارهای دالی را برایش بفروشیم و ما هم پیشنهاد کردیم که یک نمایشگاه از کارها بگذاریم و بعد شروع به فروش آنها کنیم.

■ خانم آریا شما خودتان یک نقاش سابقه در گروه دنا بودید و همچنان مشغول به کار هستید. چرا لیتوگرافی؟ ما در موزه یکسری از نقاشی‌های دالی را داریم که اتفاقاً از کارهای خوب دالی هم هستند. لیتوگرافی در مقایسه با نقاشی دارای چه ارزش و اهمیتی است؟

آریا: از نظر اهمیت هیچ فرقی نمی‌کند و هر کدام جایگاه خودش را دارد و لیتوگرافی و چاپ هم در تاریخ هنر جایگاه مهمی دارد و حتی اگر بگوییم که نقاشی جایگاه مهم‌تری دارد که من اعتقادی به این قضیه ندارم. باید ببینیم که آیا یک گالری خصوصی در تهران وجود دارد که بتواند کارهای نقاشی سالوادور دالی یا پیکاسو را به نمایش بگذارد.

■ ایمن انسجامی که در نمایشگاه شام‌سبت با این استانداردهای پایینی که در برپایی نمایشگاه داریم، خیلی غنیمت است. آیا شما در آینده قصد دارید که کارهای لیتوگراف هنرمندان دیگر را هم نمایش دهید.

آریا:طی تحقیقاتی که انجام داده‌ام، کارهایی پیدا کردیم از شاگال، پیکاسو و میرو قصد داریم طی یک برنامه درازمدت نمایشگاه‌هایی هم از آثار آنها داشته باشیم.

**باوند** پهبپور؛ چاپ‌برای هنرمند یک ابزار است مثل ابزارهای دیگر ولی تفاوت چاپ با ابزارهای دیگر این است که نسخه‌های متعددی از یک کار وجود دارد و معنی چاپ در همین است و به واسطه این اصل اقتصادی عرضه و تقاضا معمولاً قیمت آثار چاپی از کارهای تک اثر پایین‌تر است و قیمت یک نقاشی که در دنیا یکی است خیلی بالاتر از یک کار چاپی است که هزار نسخه دارد و حالا در بین هنرمندانی که با چاپ کار کرده‌اند، سالوادور دالی از کسانی است که خیلی کارهای چاپی دارد. از نظر تعداد و کلاژ آریست که برای است و بیش از هزار و ۷۰۰ کار دارد و هم تعداد نسخه‌های کارهای چاپی سالوادور دالی به ۵۰۰ تا ۷۰۰ می‌رسد، بدین ترتیب صدها هزار کار دالی در دنیا هست و با وجود اینکه دالی هنرمند خیلی مهم و معروفی است، قیمت کارهایش طوری است که شپروند عادی هم می‌تواند آنها را خریداری کند.
**■ دالی آثار عمر بستری شده بود و ششایعه دالی می‌گویند کاغذهای سفید با امضا را به دیگران می‌داده و ربط این مساله به این نمایشگاه و اصل و غیراصل بودن کارها و فرآوندی که شما قبل از نمایشگاه طی کردید، چگونه بود؟**

**پهبپور:** چون استقبال از آثار دالی زیاد بوده، کار زیاد ارایه می‌کرده. برخف هنرمندانی که اگر برای کارهای چاپی‌شان خریداری هم نبود، کار را ادامه می‌دادند، برای دالی چاپ‌راهی کوتامدت جهت تولید بیشتر آثارش بوده است و می‌بینید که عبارت پول پرست را هم برای خودش استفاده کرده.

**■ چه نمره‌ای به خودش داده؟**

■ ۱۰ برای پول پرست.

اسم جدول، دالی پول پرست است. عنوان اویدا دالرز (Avida dollars) صفتی است که آندره برتون به عنوان توهمین به دالی نسبت داد و دالی از آن خوشش آمد و برای خودش استفاده کرد و علاقه به پول اصلا برایش چیز ناخوشایندی نبود و چاپ آثار برای دالی شیوه‌ای جهت تولید انبوه بود. نشانه‌اش هم این است که کارهای نقاشی خودش را چاپ بسته کرد همان‌کنیم یعنی حتی یک هنرمند چگونه به دالی به خود تکنیک چاپ علاقمند بود، دیگر رنگ روغن آن را نمی‌کشید و با مالکس و از طرف دیگر همین تعداد کثیر آثار، دستمایه جعل نقاشی‌های دالی شده است و اگر در اینترنت جست‌وجو کنید، متوجه می‌شوید آثار هیچ کس به اندازه دالی، شاگال و پیکاسو جعل نشده. وقتی این مجموعه به دست ما رسید، طی اولین تحقیقاتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که این آثار ممکن است اصل نباشند.

**■ یعنی شما از قبل این شک را داشتید که آثار اصل نیستند؟**

آریا: به خاطر ماجرای دالی ما این شک را داشتیم. ما در ایران چند کارشناس داشتیم و همه معتقد بودند که این کارها اصل است.

**آریا: به ایده برگزاری این نمایشگاه چگونه شکل گرفت و چرا این چند کارشناس داشتیم و همه معتقد بودند که این کارها اصل است.**

**■ ایده برگزاری این نمایشگاه چگونه شکل گرفت و پهبپور طراح و برگزار کننده‌ش؟**

آریا: ماجرای خیلی جالبی است. بعد از اینکه دوست مجموعه‌دار من خواست که کارهای دالی را بفروشم، ما هم فکر کردیم که یک نمایشگاه خصوصی برگزار و از مجموعه‌دارها دعوت می‌کنیم تا آثار را بفروشیم و قطعا این

کار خیلی راحت‌تر، بی‌هزینه‌تر و بی‌دردرسر بود اما بعد فکر کردیم که خیلی حیف است که کارهای دالی اینجاست و بقیه آنها را نبینند و تصمیم گرفتیم که آنها را به نمایش بگذاریم. یکی روز راجع به کلاس‌های ماه مهر و آریا با آقای پهبپور صحبت می‌کردیم که صحبت این نمایشگاه شد و آقای پهبپور آمدند کارها را دیدند و خودش گفتند که تمایل دارند طراح بر گزار کننده این نمایشگاه باشند.

**■ با توجه به اینکه طرا می‌بر برگزاری نمایشگاه ابرعهده داشتند، چقدر دالی را می‌شناختید؟ آیا اطلاعات‌تان بر**

**مبنای کتب تاریخ هنر بود یا بیشتر؟**

**پهبپور:** من همیشه دانشجویم‌ها را خیلی دوست داشته‌ام

و یک کتاب هم از مباحث‌های آنها با حمایت آقای فریدون

## تجسمی



علی رضا امیرحاجبی

### گفت‌وگو با باوند پهبپور و آریا اقبال درباره آثار سالوادور دالی

# دالی ما را انتخاب کرد

پرویز براتی / مرجان صائبی

**با نگاهی گذرا به جدول برنامه‌های سالانه گالری‌های معتبر جهان، خواهیم دید که بسیاری از نمایشگاه‌های آنان مختص هنرمندان سایر کشورهاست و ارتباطات جهانی شعار اصلی دست‌اندارکان هنر معاصر شده است.اما کمتر پیش می‌آید که یک گالری در تهران میزان آثار هنرمندی غیرایرانی باشد. البته هنوز کسی دلیل اصلی این ماجرا را توضیح نداده است. ولی هستند مدیران گالری‌هایی که با صرف وقت و انرژی سعی در برگزاری نمایشگاه‌هایی در سطح و استانداردهای جهانی و میزبانی آثار هنرمندان برجسته غیرایرانی می‌کنند.مدیران گالری‌های آریا و الهه ازجمله این افراد هستند. اخیرا نمایشگاه آثار چاپی سالوادور دالی، نقاش سورنالیست در یک برنامه مشترک بین این دو گالری و با طراحی باوندپهبپور، کارشناس هنر در گالری آریا به نمایش گذاشته شد. رویدادی کم‌سروصدا اما غنی و پربار که توجه هر مخاطب هنردوستی را به سمت خود جلب می‌کرد.اما برگزاری این نمایشگاه در دسرهایی برای مدیران و طراح آن داشته که توضیح آن در یک گفت‌وگو صمیمانه برای هر خواننده مشتاق هنری جالب توجه خواهد بود. متن پیش‌رو خلاصه‌ای است از آن نشست دوساعته.**

**■ شما چگونه متوجه این مساله شدید که کارها اصل نیستند؟**

آریا: یکی از دوستان آقای پهبپور به نام ماهان معلمی که خارق‌العاده پسر دقتی بود را دعوت کردیم تا جزئیات (مشخصات فیزیکی) کارها را در بیابورد، مثل جنس کاغذ و اینکه چه چیزی نوشته شده و با چه مدادی، من و آقای پهبپور هم رفتیم برای تهیه قالب‌ها که ماهان معلمی تلفن زد و گفت که چیزی پیدا کرده که مشخص شده یکسری از کارها اصل نیستند. یک مهر لاک گرفته شده پشت یکی از کارها پیدا کرده بود و خلاصه برگشتیم و نور گذاشتیم و نوشته را خواندیم و متوجه شدیم کار اصل نیست و هر دو ما یک مدت کتاهی حالم‌مان بد شد.

**■ شما اشارهای داشتید به کارشناسی اولیه آیا آنها متوجه‌نشدند؟**

آریا: بله البته آنها کاملا حق داشتند. برای اینکه کارها همه لیتو بود و کارشناس نگران بودند که کارها لیتو نباشند و ما به این نتیجه رسیدیم که همه آنها لیتو است و کارها هم، همه از نظر دوره‌ای نوشته شده و با قدمت دارند. کلی در مورد بحث کارشناسی حرف‌های ما در ایران کارشناس سالوادور دالی نداریم، ما فقط می‌توانیم از کارشناسانی که مثلا در کار چاپ هستند یا مدرس تاریخ هنر هستند کمک بگیریم. در مورد لیتو بودن‌شان یا نو هستند یا نه که همه آنها لیتو بودند و سنی از آنها گذشته بود. بنابراین می‌رسیدیم به کارشناسی تخصصی که فی‌الواقع شاید کار چند نفر در دنیاست و این‌طور نیست که ما بگوییم چرا کارشناسان ما متوجه نشدند و این طبیعی است.

**■ معمولا اگر این قبل نمایشگاه اتفاق بیفتد، نمی‌گویند و صدایش را در نمی‌آورند. درست است؟**

آریا: بله، ما چند دقیقه‌ای خیلی جا خوردیم و ناراحت شدید و فکر کردیم که حالا در این وضعیت چه کار کنیم و هم به این نتیجه رسیدیم که چقدر خوب که زودتر نفهمیدیم چون اگر زودتر می‌فهمیدیم، نمایشگاه را برگزار نمی‌کردیم و چقدر هم خوب که دیرتر نفهمیدیم چون دیگران می‌گفتند که چقدر ما غیرحرفه‌ای عمل کردیم که در آن صورت کاملا حق داشتند و اگر کارها فروخته می‌شدند و مشخص می‌شد که اصل نیستند یک بحث حیثیتی گالری‌داری پیش می‌آمد که خیلی بد بود و در نهایت مساله بعد از چند دقیقه‌ای برای ما حل شد و فکر کردیم همه چیز سر جای خودش است و مشکلی وجود ندارد و می‌توانیم صداقت داشته باشیم.

**پهبپور:** ما یک آپشن دیگر داشتیم به این صورت که کارهای جعلی را جدا کنیم و فقط کارهای اصل را نشان دهیم و از کلمه جعل استفاده نکنیم و شیشه‌ای ایجاد کنیم ولی در آخر به این نتیجه رسیدیم که این‌ کار را انجام ندهیم چون این جعل‌ها خودشان یکی از جعل‌های مهم تاریخ هنر است و به نمایش گذاشتن آنها بخش مهمی از آموزش این نمایشگاه بود.

**■ مثل اینکه در آمریکا هم این داستان وجود دارد و کارهای غیراصل دالی خیلی شایع است.**

آریا: بله و برای همین کارهای غیراصلی دالی در آمریکا سه حراج برگزار شده و کارها فروش رفته

**■ چطور متوجه شدید که بقیه آثار اصل هستند؟**

پشت کارهای تقلبی (غیراصل) مهر وجود داشت اما در مورد کارهای دیگر ما می‌دانستیم آنها یکی که مهر ندارند، جعلی هستند یا اصل. پورسه دومی که ما طی کردیم، تشخیص اصل بودن آثار بدون مهر بود. ما به سایات یک جاعل کارهای دالی که به زندان رفته بود و بعد از آزاد شدن ساینتی درست کرده بود که چگونه کارهای دالی را جعل می‌کرده، مراجعه کردیم. او گفته بود کبی و چاپ فتولیت از کار نقاشی خیلی راحت است و تا سال ۱۹۸۰ یکسری کارهای از طریق فروش چاپ‌های دالی ارتزاق می‌کردند و در سال ۱۹۸۰ دالی بیمار شد و ما می‌دانیم که دیگر نتوانست

## بوم سفید

### نگاهی به نمایشگاه آثار چاپی سالوادور دالی چگونه سورنالیستی آشنیزی کنیم؟



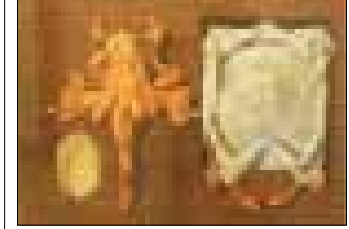
علیرضا امیرحاجبی

■ گالری آریا اخیرا با برپایی نمایشگاهی از آثار چاپی سالوادور دالی، نقاش برجسته سورنالیست توجه دوستداران به هنر مدرن و به‌خصوص نهضت سورنالیسم را به خود جلب کرد.

نمایشگاه آثار چاپی دالی به لحاظ کیفیت آثار این هنرمند مانند هر نمایشگاهی است که آثاری از یک هنرمند نابغه را در معرض دید هنردوستان قرار می‌دهد. اما این نمایشگاه خصوصیت و شاخصه‌های دیگری را در بر سر می‌گرفت که در کمتر نمایشگاهی دیده می‌شود. از جمله این خصوصیات، فضای گالری و طراحی مفهومی (Conceptual) سالن‌های هر چند کوچک اما زیبای آن است. مدیریت گالری و طراح نمایشگاه با دقت و بررسی سبک‌های تزئینی دورانی که دالی می‌زیسته فضایی را طراحی کردند تا مخاطب نه‌تنها با اثر بلکه فضایی که اثر در آن جای گرفته مانوس و با راحتی بیشتری به تماشای آثار شگفت‌انگیز این نابغه سورنالیست بپردازد. این اقدام در ظاهر آنچنان کار شایق و بیچیده‌ای به نظر نمی‌آید اما در نگاهی دقیق‌تر به عملکرد سایر گالری‌ها متوجه خواهیم شد که چنین دقتی هم بر ارزش معنوی و مادی آثار تأکید بیشتری خواهد کرد و هم مخاطب را ارج افزون‌تری خواهد گذارد.

با ورود به گالری، مخاطب در فضایی کلاسیک و پرده‌هایی اطلسی مواجه می‌شود که طرح آنها نوستالژی گذشته اروپا را تداعی می‌کند. کاغذبویاری‌هایی با طرح‌های گیاهی برجسته خانهای فرانکو – اسپانیول را مجسم می‌کند. طراح و مدیر گالری با تقسیم‌بندی دوقطبی سرمایه‌ی قهوه‌ای تیره یا همان سالن‌های کیود و طلائی مخاطب و مسرفش به دنیای دالی را دومرحله‌ای می‌کنند. به راست که می‌پسچید سالن کیود مجموعه آثار چاپی در مقابل‌تان بر دیوار آویزان شده‌اند که در صحت اصیل بودن‌شان تردیدهایی وجود دارد و به اصطلاح جعلی هستند. جلعی بودن این گروه از آثار چاپی نته‌ها هیچ بار منفی را به نمایشگاه تحمیل نمی‌کند، بلکه از دو جنبه باعث جلب توجه مخاطب می‌شود و ارزش اقدام مدیریت گالری در برپایی این نمایشگاه را

برورد به گالری، مخاطب در فضایی کلاسیک و پرده‌هایی اطلسی مواجه می‌شود که طرح آنها نوستالژی گذشته اروپا را تداعی می‌کند. کاغذبویاری‌هایی با طرح‌های گیاهی برجسته خانهای فرانکو – اسپانیول را مجسم می‌کند. طراح و مدیر گالری با تقسیم‌بندی دوقطبی سرمایه‌ی قهوه‌ای تیره یا همان سالن‌های کیود و طلائی مخاطب و مسرفش به دنیای دالی را دومرحله‌ای می‌کنند. به راست که می‌پسچید سالن کیود مجموعه آثار چاپی در مقابل‌تان بر دیوار آویزان شده‌اند که در صحت اصیل بودن‌شان تردیدهایی وجود دارد و به اصطلاح جعلی هستند. جلعی بودن این گروه از آثار چاپی نته‌ها هیچ بار منفی را به نمایشگاه تحمیل نمی‌کند، بلکه از دو جنبه باعث جلب توجه مخاطب می‌شود و ارزش اقدام مدیریت گالری در برپایی این نمایشگاه را



چندین برابر می‌کند. اول آنکه مخاطب با نگاه به آثاری که جعلی است و تطبیق گزارای آنها با آثار اصیل هجانی را در خود احساس کرده که این خود به ایجاد انگیزه و دقت بیشتر به وی کمک می‌کند، یعنی حسن کنجکاوی مخاطب برانگیخته می‌شود و با حوصله در گالری می‌چرخد و نگاه می‌کند. نگاهی که شاید از مرزهای روزمرگی خارج شده و به خیرگی تمایل یابد.دوم اینکه مدیر گالری و طراح با چنین اقدام شجاعانه و صادقانه‌ای صفحاتی جالب توجه از تاریخ هنر معاصر اروپا را با صراحت به نمایش می‌گذارند. پله آثار جعلی چه بپذیریم و چه نه، بخشی از تاریخ و سنت چند هزارساله اروپاست. مقوله‌ای که ذهن بسیاری از کارشناسان آثار هنری، منتقدان و تحلیل‌گران مطبوعاتی را به خود جلب کرده است (ازجمله صاحب این قلم).

در نتیجه اقدام گالری آریسا با چنین طرح و ایده شفافی آموزشی است در جهت فهم بهتر هنر کلاسیک و معاصر اروپا. بخش هر چند کوچک اما مهمی از هنر پساجانگ اروپا در یک گالری در تهران. شگفت‌انگیز نیست؟ از جمله نکته‌های جالب توجه این نمایشگاه نصب و درج جملات قصاری از دالی است که به هیچ‌جان مانند در گالری کمک می‌کند. جملاتی فوق‌العاده رادیکال که شاید با حال و هوای امروز ما نیز مشابهت‌هایی داشته باشد و جداولی که خصوصیات و شخصیت دالی را براساس رتبه‌بندی یک تا ۱۰ توسط خود دیگران نذراند.

**پهبپور:** خانم آریا خودشان هنرمند هستند و وقتی شما هنرمند باشید و دست روی چیزی بگذارید، دیگر نمی‌توانید کیفیت را فدای خیلی چیزها کنید.

خیلی وقت‌ها بود که فکر کردیم آیا این کار ارزشش را دارد یا نه ولی ما براساس کیفیت می‌سنجیدیم یعنی می‌گفتیم اگر فلان هزینه را کنیم، بهتر می‌شود. خب هزینه می‌کردیم و واقعا ما براساس معیارهای مادی پیش رفتیم. که مثلا این چقدر ارزان درمی‌آید و یا این چقدر می‌فروشد. آریا:این به این معنا نیست که ما آدم‌های پولداری هستیم که می‌توانیم این کار را انجام دهیم، واقعیت ماجرا این است که ما به لحاظ مالی، آدم‌های متوسطی هستیم. شاید اگر کارمان این نبود و این مسیر را دنبال نمی‌کردیم، موفقیت برای بهتری داشتیم.منتهای هر کسی را یک چیز خوشحال می‌کند و فکر می‌کنم آدم‌هایی مثل ما زمانگرای‌یشان، به بقیه چیزهایی چرید.